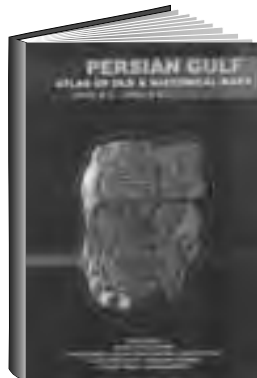


نقشه‌های تاریخی خلیج فارس



- *Persian Gulf, Atlas of old and historical maps (3000 B.C. – 2000 A.D.)*
- Compiled and Edited by The Editorial Board:
- Mohammad-Reza Sahab,... [et al]
- Tehran, Ministry of Foreign Affairs, : Center for Documents and Diplomacy History, Sobh-e-Sadegh, 2005, 2 Volumes, 580 pp.

درآمد:

در چند دهه‌ی اخیر، از خلیج فارس بسیار سخن گفته‌اند، از تاریخ و جغرافیا و اقتصاد آن و هرآن‌چه که از دیرباز تاکنون بر این آب‌راهی همیشه ایرانی گذشته است. بر هر انسان ایرانی، تعلق این خلیج پارسی به این سرزمین آشکار و مبرهن است، اما در دنیای امروز که تبلیغات نفوذ زیادی بر افکار عمومی دارد، همیشه حق با کسی است که پول بیشتری خرج می‌کند و بهای بیشتری می‌پردازد و از همین روست که خلیج فارس به برکت پول نفت همسایگان عرب، تبدیل می‌شود به الخلیج العربی.

برای بقا در عصر اطلاعات و تبلیغات و مقابله با این ادعاهای واهی، باید به زبانی قابل فهم برای مردم دنیا سخن گفت، اگر نه حتی اگر هزاران مقاله و کتاب و اطلس به زبان فارسی بنویسیم و چاپ کنیم، باز هم مخاطبانمان همان پارسی‌زبانان اندکی هستند که خود به ایرانی بودن این خلیج ایمان دارند، چاپ کتب و مقالاتی به زبان انگلیسی، گامی در جهت نیل به این مقصود است.

مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب در تلاش برای جهانی شدن، اطلسی به زبان انگلیسی تحت عنوان **Persian Gulf, Atlas of old and historical maps (3000 B.C. – 2000 A.D.)** در دو مجلد به چاپ رسانده و هدف از این گفتار، معرفی این اطلس است.

نقشه‌نگاری تاریخی:

از دیرباز تا کنون، انسان‌ها برای شناخت بهتر محیط زندگی خویش، به ترسیم آن پرداخته‌اند، در این روند از نخستین نقشه‌ها که تنها از تخیلات انسان‌ها سرچشمه می‌گرفته به نقشه‌هایی می‌رسیم که با عکس‌های ماهواره‌ای تهیه شده‌اند و توانایی نمایش جزئی‌ترین نقاط یک شهر را نیز دارا هستند. در روند تحولات نقشه‌نگاری تاریخی با سه جریان عمده روبرو هستیم:

کرده و نام خلیج فارس نیز پیش از نقشه‌های بطلمیوسی در کتب ایشان ذکر شده است.

مهم‌ترین اثر بطلمیوس با عنوان «راهنمای جغرافیا»، شامل هشت کتاب و حاوی اطلاعات مهمی درباره‌ی بیش از هشت هزار مکان جغرافیایی قدیمی است. نخستین نقشه‌ها براساس طرز تلقی بطلمیوس از چگونگی وضع زمین ترسیم شده‌اند و برخی نقشه‌های اسلامی و هم‌چنین تعدادی از نقشه‌های اروپایی را شامل می‌شوند.

۲- **نقشه‌های اسلامی:** در عصر فتوحات، مسلمانان همراه با توسعه‌ی سرزمین‌های اسلامی، با علوم سایر ملل آشنا شدند و ترجمه‌ی کتب علمی به زبان عربی آغاز شد. با برآمدن عباسیان و گسترش سرزمین‌های اسلامی، لزوم دانش جغرافیا برای شناخت این سرزمین‌ها احساس می‌شد. مسلمانان دانش خویش را از تمدن کهن ایرانیان، یونانیان، مصری‌ها و هندی‌ها کسب کردند. منصور خلیفه عباسی،

۱- **نقشه‌های بطلمیوسی:** کلودیوس بطلمیوس در مصر و در ایام حکمرانی جانشینان اسکندر مقدونی متولد شد. وی منجم و جغرافیادان بود و اساس کتاب او دربردارنده‌ی جداول نجومی است که در آن‌ها عرض و طول نقاط مهم و مسکونی جهان معین شده‌اند. او را «پدر جغرافیا» می‌دانند، هرچند که وی بخش عمده‌ای از اطلاعات خویش را از نوشته‌های کسانی چون **نارخوس، اراتستن و استرابون** اقتباس



هرچند جغرافیادانان مسلمان در ابتدا از سنت نقشه‌نگاری یونانیان پیروی کرده‌اند، اما در ادامه، به اندازه‌ای بر عناصر نقشه‌نگاری افزودند که می‌توان نقشه‌نگاری اسلامی را مکتبی جدا و متمایز از نقشه‌نگاری یونانیان دانست

خود را کامل کردند، از نیمه‌ی قرن پانزدهم میلادی، نسخه‌های خطی جغرافیایی بطلمیوس از طریق بیزانس به ایتالیا برده شد و نقشه‌نگاران اروپایی، به‌واسطه‌ی اطلاعاتی که از نقشه‌نگاران اسلامی به آن‌ها رسیده بود، نکاتی از نقشه‌نگاری بطلمیوسی را در نقشه‌های نخستین خویش به کار گرفتند. نخستین نقشه‌های اروپایی متعلق به سال‌های میانی قرن پانزدهم در ایتالیاست - مقارن با انحطاط سنت نقشه‌نگاری در نزد جغرافیادانان مسلمان - و آخرین آن‌ها مربوط به دو دهه‌ی نخست قرن بیستم است که رسم چاپ نقشه‌های تاریخی اندک اندک مهجور می‌شود و نقشه‌های پس از آن، نقشه‌های جدید تلقی می‌شوند. این نقشه‌ها بخش عمده‌ی نقشه‌های اروپایی و جهان اسلام، از جمله ایران را در چند قرن اخیر در برمی‌گیرند.

اطلس نقشه‌های تاریخی خلیج فارس:

این اطلس در دو مجلد تهیه شده و چنانچه از عنوان آن پیداست، نقشه‌های موجود در آن قریب به پنج هزاره را دربرمی‌گیرد. نخستین نقشه‌ی چاپ‌شده در اطلس، قدیمی‌ترین نقشه‌ی شناخته‌شده مربوط به سال ۳۰۰۰ پیش از میلاد و آخرین نقشه مربوط به سال ۱۹۲۲ میلادی است. این اطلس بر مبنای مطالعه‌ی کروئولوژیک اطلس‌های موجود و منابع اصلی، انتخاب و تدوین و نقشه‌های آن بر مبنای چهار دوره تقسیم و چاپ شده‌اند:

۱- دوران باستان (از ۳۰۰۰ ق.م.)

یکی از نخستین مشوقین مسلمانان برای ترجمه‌ی کتب به زبان عربی است. در زمان وی، دانشمندانی که کتابی به زبان عربی ترجمه می‌کردند، اطلاعات خویش را درباره‌ی جغرافیا و نجوم به متون اضافه می‌کردند،^۲

دوره‌ی اوج توجه مسلمانان به دانش جغرافیا، در عهد مأمون عباسی بود، در زمان وی، کتب بطلمیوس، همچون جامع در فلکیات و المجسطی به عربی برگردانده شدند و تأثیری عمیق بر دانش جغرافی مسلمانان نهادند.^۳ هرچند جغرافیادانان مسلمان در ابتدا از سنت نقشه‌نگاری یونانیان پیروی کرده‌اند، اما در ادامه، به اندازه‌ای بر عناصر نقشه‌نگاری افزودند که می‌توان نقشه‌نگاری اسلامی را مکتبی جدا و متمایز از نقشه‌نگاری یونانیان دانست. ویژگی بارز نقشه‌نگاری اسلامی، توجه خاص به سرزمین‌های اسلامی است.

نقشه‌نگاری اسلامی شامل مکاتب گوناگونی چون مکتب عراقی، مکتب بلخی، مکتب هفت کشور ایرانی، مکتب هفت اقلیم یونانی، مکتب نجیب بکران و مکتب مکه مرکزی می‌شد. از نقشه‌نگاران بزرگ اسلامی می‌توان ابن حوقل، ابوعبدالله ادریسی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصطخری، ابوریحان بیرونی و ابوعبدالله محمد بن احمد خوارزمی را نام برد. دستاوردهای مسلمانان از طریق دانشمندان و جغرافیادانان سیسیل به اروپا راه یافت و زمینه‌ساز نقشه‌نگاری اروپایی شد.

۳- نقشه‌های اروپایی: در آغاز نقشه‌نگاری اروپایی، اندیشه‌ی بطلمیوسی حاکم است، جغرافی‌دانان مسلمان، در قرون وسطا، میراث جغرافیایی

در اکثر نقشه‌های این دوره، که شامل نقشه‌های بطلمیوسی نیز می‌شود، خلیج فارس با عنوان لاتین سینوس پرسیکوس *sinus persicus* ثبت شده است

وجود کتب مسالک و ممالک را افزون می‌کرد، کتب جغرافیایی زیادی در قرون نخستین اسلامی نوشته شد که اکثر آن‌ها متعلق به ایرانیان بودند. از میان مشهورترین این کتب می‌توان به کتب ابویوسف یعقوب ابن اسحاق صباح الکندی (۱۸۵-۲۶۰ ه.ق.)، صوره‌الارض ابو عبدالله محمد خوارزمی (وفات: ۲۳۲ ه.ق.)، مسالک و ممالک ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصطخری (وفات: ۳۴۶ ه.ق.)، صوره‌الارض ابن حوقل (سده چهارم هجری) و احسن التقاسیم مقدسی (قرن چهارم هجری) اشاره کرد.

این بخش شامل بیش از ۱۵۰ نقشه از ۶۲ کارتوگراف است که ۳۰ تن آنان مسلمان و ۳۲ نفر اروپایی هستند. از آن‌جا که به دلیل اروپایی بودن دوره‌بندی این اطلس، نقشه‌های اسلامی از نقشه‌های اروپایی مجزا نشده‌اند، نقشه‌هایی که به ترتیب سال تولد کارتوگراف‌ها مرتب شده‌اند، ترتیب موضوعی ندارند و در میان اسامی جغرافی‌نویسان مسلمان، نام کارتوگرافان اروپایی به چشم می‌خورد، این موضوع موجب برهم خوردگی نظم ذهنی خواننده می‌شود، به‌طور مثال در بین نقشه‌هایی از طوسی همدانی (در حدود ۱۱۶۰ م./ ۵۵۵ ه.ق.)^۷ و ابن‌العربی (۱۱۶۵-۱۲۴۰ م./ ۵۶۰-۶۳۸ ه.ق.)^۸، نقشه‌ی جهان متعلق به شخصی به نام *Gervase of Tilbury* (در حدود ۱۱۶۰-۱۲۱۱ م.)^۹ به چاپ رسیده است.

در این بخش نیز، برخی تصاویر، نسخ مختلف مربوط به یک نقشه است، در برخی موارد، ترجمه‌ی لاتین نقشه‌هایی که توسط جغرافی‌نویسان مسلمان ترسیم شده‌اند و در برخی نیز بزرگ‌نمایی‌شده‌ی بخش خلیج فارس نقشه هستند، به چاپ رسیده است.

اکثر نقشه‌های این بخش طبق سنت نقشه‌نگاری اسلامی، نقشه‌های مستدیر هستند که دورتادور نقشه را دریای محیط^{۱۰} فراگرفته است و جهات چهارگانه برعکس ترسیم شده‌اند، بدین ترتیب که جنوب شمال و مشرق در مغرب نشان داده شده است.

در این نقشه‌ها، خلیج فارس با گستره‌ای وسیع‌تر از آن‌چه امروز به این نام خوانده می‌شود، خلیج فارس امروزی، دریای عمان و بخشی از اقیانوس هند را نیز شامل می‌شود و با عناوین مختلفی چون بحر فارس، دریای پارس و خلیج الفارسی مشاهده می‌شود.

دانشمند آلمانی، *کنراد میلر* (۱۸۴۴-۱۹۳۳ م.) که درباره‌ی جغرافی‌دانان مسلمان تحقیق می‌کرد، با جمع‌آوری، مقایسه و انتخاب ۲۷۵ نقشه دوره‌ی اسلامی از کتاب‌خانه‌ها و موزه‌های مختلف اروپایی، آن‌ها را در نیمه‌ی قرن بیستم در اطلسی با عنوان *Atlas Of Islam* به چاپ رساند، برخی از نقشه‌های این دوره کپی‌هایی از نقشه‌های اطلس مزبور هستند. نقشه‌های دیگر این بخش نیز متعلق به بخش نسخ خطی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، موزه‌ی ایران باستان، برخی

۲- دوره‌ی اسلامی و قرون وسطی (قرن هشتم تا پانزدهم میلادی)

۳- دوره‌ی رنسانس (قرن شانزدهم تا هجدهم میلادی)

۴- عصر جدید (قرن نوزدهم تا بیستم میلادی)

۱- دوران باستان: این بخش شامل تصویر یک لوح سنگی و ۴۶ نقشه متعلق به ۲۵ کارتوگراف است، از مشهورترین این رسام‌ها می‌توان هکاته، هرودوت، پلی‌بیوس، استرابو و بطلمیوس را نام برد. نخستین تصویر چاپ‌شده در این اطلس، قدیمی‌ترین نقشه‌ی شناخته‌شده‌ی جهان، لوح گلی بابلی مربوط به هزاره‌ی سوم پیش از میلاد است که در شمال بین‌النهرین یافت شده و متعلق به سلسله‌ی سارگون اکدی است، در این لوح، آشور و بابل محیط در خلیج فارس هستند و نقاط دیگر جهان با نام «سایر نقاط» قابل مشاهده است. برخی از تصاویر چاپ‌شده، نسخ مختلف مربوط به یک نقشه هستند، در برخی موارد، علاوه بر نسخه‌ی لاتین، نسخه‌ی ترجمه‌شده به زبان عربی نیز موجود است، و در برخی نقشه‌ها، بخش خلیج فارس، بزرگ‌نمایی شده و در تصویری جدا به چاپ رسیده است. ۱۵ نقشه متعلق به بطلمیوس در این بخش به چاپ رسیده است که منبع آن‌ها، نسخه‌ی لاتین چاپ‌شده در قرن پانزدهم میلادی است و در کتابخانه‌ی ملی ناپل نگهداری می‌شود. ترجمه‌ی عربی این اطلس، که ممه‌ور به مهر سلطان بایزید ثانی است، در کتابخانه‌ی ایاصوفیه استانبول موجود است.

هیچ کدام از نقشه‌های این بخش، نقشه‌ی اختصاصی متعلق به خلیج فارس نیستند و به جز دو نقشه که یکی نقشه‌ی آفریقا متعلق به پلی‌بیوس^۵ (حدود ۱۴۳ ق.م) و دیگری نقشه عربستان و مصر متعلق به استرابوست^۶ (۱۲ ق.م-۵۸ م.)، باقی نقشه‌ها، نقشه‌ی جهان هستند، اما در همه‌ی این نقشه‌ها، عنوان خلیج فارس به الفاظ گوناگون مشاهده می‌شود، در اکثر نقشه‌های این دوره، که شامل نقشه‌های بطلمیوسی نیز می‌شود، خلیج فارس با عنوان لاتین سینوس پرسیکوس *sinus persicus* ثبت شده است.

۲- دوره‌ی اسلامی و قرون وسطی (قرن هشتم تا پانزدهم میلادی): در

این دوره، مسلمانان که وارث تمدن قدیم شرق و غرب شده بودند، با ترجمه‌ی متون به زبان عربی و با ترکیب آگاهی‌های خویش با دانش پیشینیان، موجب پیشرفت علوم شدند، دانش جغرافیا در این میان مستثنی نبود.

نخستین نقشه‌های این دوره، ترجمه‌ی نقشه‌های اطلس بطلمیوس به زبان عربی بودند، در اطلس بطلمیوس، قاره‌ی پهناور آسیا به دوازده ناحیه تقسیم شده و به هر کدام شماره‌ای داده شده که عنوان نقشه‌ی همان ناحیه است، مشهورترین این نقشه‌ها، نقشه‌های شش‌گانه‌ی آسیا هستند، که نقشه‌ی پنجم آسیا، بخشی از ایران قدیم در نواحی مرکزی، خلیج فارس و ایالت‌های شمالی ایران و نقشه‌ی ششم آسیا، شامل شبه‌جزیره‌ی عربستان، تمامی خلیج فارس و دریای سرخ کنونی است. نخستین اطلس متعلق به مسلمانان، با عنوان *صورة المأمونیه*، در عهد مأمون خلیفه‌ی عباسی، زیر نظر ریاضی‌دان و جغرافی‌دان برجسته‌ی ایرانی، ابو عبدالله محمد خوارزمی ترسیم شده است. در این نقشه، دنیای شناخته‌شده‌ی آن روز شامل آسیا، اروپا و شمال آفریقا مشاهده می‌شود.

در این سال‌ها، گسترش سرزمین‌های امپراتوری وسیع اسلامی، نیاز به



گاستالدی را پیش‌تاز فن نقشه‌نگاری ایتالیا در نیمه‌ی دوم قرن شانزدهم میلادی می‌دانند، نقشه‌ی نوین ایران که وی ترسیم کرده است، با الگوی بطلمیوسی، اما با اسامی جدید است و خلیج فارس در آن با عنوان MAR PERSIO مشاهده می‌شود

کتاب‌خانه‌های عثمانی و کتاب‌خانه‌های دیگر هستند. دانش جغرافی‌دانان مسلمان که در خلال قرون وسطی توسعه یافته بود، در نیمه‌ی قرن پانزدهم میلادی از طریق بیزانس به شهرهای ایتالیا راه یافت. از میان کارتوگراف‌های اروپایی این دوران می‌توان به پائولو دل پوزو توسکانلی^{۱۱} (۱۳۹۷-۱۴۸۲ م.)، فرانسیسکو روسلی^{۱۲} (۱۴۴۵-۱۵۱۳ م.)، جوان دی لا کوزا^{۱۳} (۱۴۶۰-۱۵۱۰ م.)، مارتین والدز مولر^{۱۴} (۱۴۷۰-۱۵۱۸ م.) و سیباستین مونستر^{۱۵} (۱۴۸۹-۱۵۵۲ م.) اشاره کرد که در تمام نقشه‌های آنان، نام خلیج فارس به زبان‌های مختلف دیده می‌شود.

۳- دوره‌ی رنسانس (قرن شانزدهم تا هجدهم میلادی): پس از قرن شانزدهم میلادی، دانش اروپاییان در همه‌ی علوم رو به پیشرفت گذاشت، علم جغرافیا نیز به‌گونه‌ی چشمگیری پیشرفت کرد. اروپاییان این پیشرفت را مدیون متون ترجمه‌شده‌ی مسلمانان در طی قرون وسطا بودند، اطلس بطلمیوس و کتب سایر جغرافی‌دانان، که از طریق مسلمانان به آنان رسیده بود، بار دیگر مورد استفاده قرار گرفت و دانش جغرافیای نوین بر همین مبنا شکل گرفت. این دوره را می‌توان عصر پیشرفت اروپاییان در جغرافی و افول نقش مسلمانان در این زمینه نامید.

پس از قرون وسطا و با آگاهی از کروی بودن زمین، آغاز دوره‌ی اکتشافات و شناخته شدن دنیای امروز، برای نخستین بار نقشه‌های دریایی منتشر و نقشه‌هایی بر اساس تحقیقات میدانی توسط جغرافی‌دانان و کارتوگراف‌ها، طراحی شدند که مینا و پایه‌ی نقشه‌های امروزی شدند.

موج جدید چاپ و انتشار نقشه‌هایی که دربردارنده‌ی اطلاعات روز از مناطق مختلف جهان بودند، به آگاهی نقشه‌نگاران افزود، در اوایل دوره‌ی رنسانس، در سال ۱۵۴۸ م. کارتوگراف مشهور ایتالیایی، جاموکو گاستالدی^{۱۶} نخستین نقشه‌ی نوین ایران را منتشر کرد، گاستالدی را پیش‌تاز فن نقشه‌نگاری ایتالیا در نیمه‌ی دوم قرن شانزدهم میلادی می‌دانند، نقشه‌ی نوین ایران که وی ترسیم کرده است، با الگوی بطلمیوسی، اما با اسامی جدید است و خلیج فارس در آن با عنوان MAR PERSIO مشاهده می‌شود.

این بخش که بیشترین تعداد نقشه‌ها را به خود اختصاص داده است، شامل قریب به ۳۰۰ نقشه از ۱۶۶ کارتوگراف است. بسیاری از نقشه‌نگاران اوایل دوره‌ی رنسانس، ایتالیایی و یا هلندی بودند، از مشهورترین آنان می‌توان گاستالدی، جیرولامو روسلی^{۱۷} (۱۵۰۴-۱۵۶۶ م.) و جیووانی آنتونیو ماجینی^{۱۸} (۱۵۵۵-۱۶۱۷ م.) ایتالیایی و و دو کارتوگراف مشهور هلندی، گرااردوس مرکاتور^{۱۹} (۱۵۱۲-۱۵۹۴ م.) و

در نقشه‌های دوره صفوی که تمامیت ارضی هر کشور، با رنگ از کشور همسایه متمایز می‌شود، به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد که جزایر سه‌گانه‌ی تنب و ابوموسی به رنگ خاک ایران، رنگ‌آمیزی شده‌اند

و نقشه‌های تخصصی بسیاری از خلیج فارس به همراه اطلاعاتی از بنادر، جزایر، اسکله‌ها و شیلات منطقه به اضافه اطلاعاتی پیرامون دولت‌ها، شرکت‌ها و دفاتر تجاری مختلف تهیه شد. بخش عمده‌ای از این پیشرفت را می‌توان مربوط به فعالیت‌های مأموران کمپانی هند شرقی انگلستان دانست. بیشترین فعالیت مأموران کمپانی در حوزه‌ی اکتشافات و نقشه‌برداری دریایی بوده است. مجموعه‌ای متشکل از ۸۶ نقشه‌ی دریایی بین سال‌های ۱۸۲۸ تا ۱۸۳۲ میلادی، توسط کاپیتان جیمز هورسبورگ^{۳۳} (۱۷۶۲-۱۸۳۶ م.) تهیه و توسط کمپانی هند شرقی منتشر شد.

با گسترش تجارت جهانی و کشتیرانی، لزوم وجود نقشه‌های دریایی نظامی احساس می‌شد. پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، نقشه‌های دریایی با اطلاعات نظامی توسط انگلیسی‌ها و بعدها توسط آمریکایی‌ها منتشر شد.

به دلیل موقعیت استراتژیک خلیج فارس و منابع غنی گاز و نفت در آن، نقشه‌هایی نیز حاوی اطلاعاتی پیرامون بنادر، جزایر و مخازن نفتی این آب‌راه تهیه شده‌اند.

آخرین بخش این اطلس که شامل نقشه‌های امروزی است، حاوی ۵۶ نقشه از ۴۱ کارتوگراف است و آخرین نقشه‌ی کتاب متعلق به سال ۱۹۲۲ میلادی است.

از میان مشهورترین کارتوگراف‌های این دوره می‌توان اف. ا. گارنیه^{۳۴} (۱۸۰۳-۱۸۶۳ م.)، جان توماس (۱۸۱۴-۱۸۶۹ م.)، جورج پرسی باجر^{۳۵} (۱۸۱۵-۱۸۸۸ م.)، جیمز نیل^{۳۶} (۱۸۲۶-۱۸۴۵ م.) و پیتر جکسون را نام برد.

در همین سال‌ها بود که نخستین مؤسسه‌های کارتوگرافی تأسیس شدند، برخی از این مؤسسات عبارتند از: انجمن جغرافیایی سلطنتی، شرکت تلیس و شرکت جان بارتولومئو و پسران.

دو منبع عمده‌ی نقشه‌های این بخش نیز آرشیو وزارت امور خارجه ایران و هم‌چنین اطلس سلطان است که مورد اخیر منبع اکثر نقشه‌های این بخش است و همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، تأثیر به‌سزایی در کاهش کیفیت این اطلس دارد.

لازم به ذکر است که در تمامی نقشه‌هایی که توسط این کارتوگراف‌ها و مؤسسات تهیه شده‌اند، آب‌راه‌های محصور میان سرزمین ایران، شبه‌جزیره‌ی عربستان و تنگه‌ی هرمز با نام خلیج فارس مشاهده می‌شود.

آبراهام اورتلیوس^{۳۷} (۱۵۲۷-۱۵۹۸ م.) را نام برد. در سال‌های میانی رنسانس، از نقشه‌های کارتوگراف‌هایی چون فردریک د. ویت^{۳۸} (۱۶۱۰-۱۶۹۸ م.)، نیکولاس فیشر^{۳۹} (۱۶۴۹-۱۷۰۲ م.)، کریستوفر ویجلیو^{۴۰} (۱۶۵۴-۱۷۲۵ م.) و گیوم دو لیل^{۴۱} (۱۶۷۲-۱۷۲۶ م.)، تأثیرگذارترین کارتوگراف فرانسوی استفاده شده است. و بالاخره از مهم‌ترین کارتوگراف‌های سال‌های پایانی این دوره، می‌توان کسانی چون امانوئل بوئن^{۴۲} (۱۷۲۰-۱۷۶۷ م.)، ریگوبرت بون^{۴۳} (۱۷۲۷-۱۷۹۵ م.)، ایزاک تیریون^{۴۴} (۱۷۳۲-۱۷۶۹ م.)، توبیاس کنراد لوتری^{۴۵} (۱۷۵۰-۱۷۷۷ م.) و لوکاس فیلدینگ^{۴۶} (۱۷۸۱-۱۸۵۴ م.) را نام برد.

در میان کارتوگراف‌های دوران رنسانس، به نام سیاحانی چون آدام اولتاریوس^{۴۷} (۱۵۹۹-۱۶۷۱ م.)، انگلبرت کمپفر^{۴۸} (۱۶۵۱-۱۷۱۶ م.) و کارستن نیبور^{۴۹} (۱۷۳۳-۱۸۱۵ م.) برمی‌خوریم که از جهانگردان مشهور اروپایی‌اند و در عهد صفوی به ایران سفر کرده‌اند و اطلاعات ذی‌قیمت خویش را از طریق مطالعات میدانی به دست آورده و به اروپا منتقل کرده‌اند.

از این میان، برخی کارتوگراف‌ها نقشه مختص خلیج فارس ترسیم کرده‌اند که از مشهورترین آنان می‌توان به پتروس برتیوس^{۵۰} (۱۵۶۵-۱۶۲۹ م.)، پیتر وان درا^{۵۱} (۱۶۵۹-۱۷۳۳ م.)، پان باپتیست بورگینیون دانویل^{۵۲} (۱۶۹۷-۱۷۸۲ م.)، گیوم نیکولاس دولای^{۵۳} (۱۷۲۷-۱۸۰۲ م.) و بالاخره کارستن نیبور اشاره کرد، در سال ۱۸۱۳ م. نیز جغرافی‌نویس مشهوری به نام آرون ارو اسمیت^{۵۴} (۱۷۵۰-۱۸۳۳ م.) از پرنس نشین والز به همراهی کاپیتان ریچی^{۵۵} و ستوان بارتولومئو آربی^{۵۶} نقشه‌ی تخصصی خلیج فارس را به صورت نموداری تحت عنوان «نمودار تخصصی خلیج فارس از اطلاعات اولیه»^{۵۷} منتشر کرد.^{۵۸}

در تمامی نقشه‌های این دوره نیز عنوان خلیج فارس به چشم می‌خورد و جالب‌تر این که در نقشه‌های این دوره که تمامیت ارضی هر کشور، با رنگ از کشور همسایه متمایز می‌شود، به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد که جزایر سه‌گانه‌ی تنب و ابوموسی به رنگ خاک ایران، رنگ‌آمیزی شده‌اند و این خود دلیلی است واضح بر واهی بودن ادعای عربی بودن این جزایر ایرانی.

منبع برخی از نقشه‌های این دوره، از کتاب‌خانه‌های اروپایی بوده است، برخی نیز از آرشیو وزارت خارجه ایران و کتاب‌خانه‌ی خصوصی سحاب تهیه شده‌اند که از کیفیت نسبتاً مطلوبی برخوردارند، اما منبع تعداد بسیار زیادی از نقشه‌های این دوره، اطلس سلطان بن محمد القاسمی بوده است،^{۵۹} عدم دسترسی به نسخه‌ی اصلی این نقشه‌ها و اسکن نقشه‌ها از اطلس سلطان، موجب افت کیفیت شدید نقشه‌ها در این دوران شده است. از آن‌جاکه کیفیت یک اطلس، به اصالت، تنوع و تعداد نقشه‌ها بستگی تام دارد، متأسفانه اسکن کردن تعداد زیادی از نقشه‌ها از اطلس سلطان با کیفیت پایین، در بزرگ‌ترین بخش این اطلس، لطمه‌ی بزرگی به کار وارد کرده است.

۴- عصر جدید (قرن نوزدهم تا بیستم میلادی): در دو قرن اخیر، به دلیل حضور تجاری و سیاسی اروپاییان و به‌خصوص انگلیسی‌ها در خلیج فارس، این آب‌راه اهمیت روزافزون یافت.

بخش نقشه‌برداری نیروی دریایی بریتانیا در سال ۱۷۹۵ تأسیس شد

9Ibid, P.100

۱۰ جغرافی‌دانان یونان باستان و جغرافی‌دانان مسلمان قرون اولیه‌ی اسلامی، معتقد بودند دورتادور ربع مسکون را دریای محیط فرا گرفته است که وسعت آن سه برابر خشکی‌هاست. دریای محیط به دو شاخه‌ی بزرگ تقسیم می‌شد، آب‌های شرقی این دریا را اقیانوس مشرقی و آب‌های غربی را اقیانوس مغربی می‌نامیدند.

11Paolo del Pozzo Toscanelli

12Francisco Rosselli

13Juan de la Cosa

14Martin Waldseemuler

15Sebastian Munster

16Jamoco Gastaldi

17Girolamo Ruscelli

18Giovanni Antonio Magini

19Gerard Mercator

20Abraham Ortelius

21Frederick de Wit

22Nicolas Jansz. Visscher

23Christophoro Weigelio

24Guillaume de L> Isle

25Emanuel Bowen

26Rigobert Bonne

27Isaac Tirion

28Tobias Conradi Lotteri

29Fielding Jr.Lucas

30Adam Olearius

31Engelbert Kaempfer

32Carsten Niehbur

33Petrus Bertius

34Pieter Van der Aa

35Jean Baptiste Bourguignon d>Anville

36Guillaume Nicolas Delahaye

37Aaron Arrowsmith

38Captain Ritchie

39Bartholomew R.B.

40Chart Of the Persian Gulph from Original Materials

41Ibid, Vol.2, PP.446447-

۴۲ اطلس مزبور معتبرترین اطلس جغرافیایی خلیج فارس در دنیای عرب است که با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

Alqasimi, Sultan bin Mohammad, The Gulf in Historical Maps 14781861-, Leicester, 1996. 2th edition in 1999

43Captain James Horseburgh

44F.A. Garnier

45George Percy Badger

46James Neele

نتیجه:

خلیج فارس از هزاره‌های پیش از میلاد به همین نام، مشهور بوده است و در تمام کتاب‌ها و نقشه‌ها و حتی اسناد عربی و کتاب‌های درسی کشورهای عربی، با همین عنوان به ثبت رسیده است، اما انگلیسی‌ها که طی دو قرن اخیر حضور سیاسی خویش در خلیج فارس را حفظ کرده بودند، برای ادامه‌ی حضور خود لازم می‌دیدند که با سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن، جای پای خویش را در این منطقه محکم کنند و مسأله‌ی ناسیونالیسم عرب و ایرانی، بهترین بهانه بود.

پس از انقلاب ۱۹۵۲ مصر و شکل‌گیری ناسیونالیسم عرب توسط ناصر و کودتای نظامی عراق در سال ۱۹۵۸، نخستین زرمه‌ها برای تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی بلند شد. مدارک قاطع گویای این است که تا سال ۱۹۶۲، هیچ تردیدی در نام خلیج فارس وجود نداشته است و این نام حتی در اسناد عربی و کتاب‌های درسی این کشورها نیز موجود است.

در دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۷۰ میلادی، با عزیمت تدریجی انگلیسی‌ها از منطقه، اعراب تلاش خویش را برای تحریف نام تاریخی این آب‌راه افزایش دادند. پس از انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) ایران و آغاز جنگ ایران و عراق، اعراب در دفاع از عراق علیه ایران متحد شدند و از همین زمان بود که در بسیاری از کشورهای عربی، خلیج فارس به خلیج عربی تغییر نام داد و حتی عراق در تلاش بود که نام خوزستان را به عربستان تغییر دهد.

با وجود تمام این تلاش‌های سیاسی برای تحریف نام خلیج فارس، اسناد و مدارک موجود مبنی بر ایرانی بودن این آب‌راه غیر قابل تردید است و این وظیفه‌ی ملی هر ایرانی است که نهایت تلاش خود را برای رساندن صدای برحق خویش به دنیا به خرج دهد.

انتشار این اطلس توسط مؤسسه‌ی سحاب در تلاش برای اثبات ایرانی بودن این آب‌راه همیشه فارس به جهانیان درخور تحسین است، اما این گام نه اولین تلاش است و نه باید آخرین گام باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱ تاریخ تولد بطلمیوس مشخص نیست، برخی دوره زندگی او را بین سال‌های ۱۰۰ تا ۱۷۸ م. و برخی دیگر بین سال‌های ۹۰ تا ۱۶۸ م. ذکر کرده‌اند.

2Geographic Hyphegesis

3B.Lewis, C.Pellat, and J.Schacht, The Encyclopedia Of Islam. New Edition, Vol.II. Leiden: E.J. Brill, 1956, P.576.

۴ حلبی، علی‌اصغر، تاریخ تمدن اسلام، چاپ و نشر بنیاد، تهران، ۱۳۵۶، ص ۳۳۳.

5 Persian Gulf, Atlas of old and historical maps,Vol.1, P.14

6Ibid, P.17

7Ibid, PP.9899-

8Ibid, P.101